

ضمایر [من]

داستان تلخ ادبیات کودک

در روزی که به نام روزملی ادبیات کودک ونوجوان در تقویم به ثبت رسیده، محمدرضا یوسفی با ایسنا درباره این روز، انتقادهایی که درباره نامگذاری آن دارد و نیز درباره سیطره دولت بر ادبیات، حرف زده‌است. او در این گفت‌وگو از دردی جانکاه در ادبیات‌کودک صحبت کرده و گفته‌است: همه‌چیز دولتی شد البته بذرش پیش از انقلاب کاشته‌شده‌بود؛ نفت آمد هم ما را یولدار کرد و خدماتی به ما داد و هم بدبختی‌های بسیاری برای ما آورد از آن جمله این‌که همه‌چیز به حیطه مدیریت دولتی رفت. خوشبختانه ادبیات دولتی نتوانست ادبیات بزرگسال را تحت تصرف خود بگیرد اما ناشر کودک که تعیین‌کننده‌است، دولتی است، خریدار تعیین‌کننده هم دولتی است. هر ناشر خصوصی هم چشمش به این است که کانون پرورش‌فکری یا آموزش و پرورش یا وزارت‌ارشاد چقدر از او کتاب می‌خرد. ناشر امروز ما و حتی نویسندگان ما، مخاطب خود یعنی کودکان را فراموش کرده‌اند که **من** علتش را سلطه دولت بر ادبیات می‌دانم، دولتی‌که یک بازنویس را نماد ادبیات‌کودک می‌کند. ادبیات باید خلاقیت داشته‌باشد، آیا شما کسی را که در نقاشی کپی‌کاری کرده، نماینده نقاشی ایران می‌کنید؟ یا شاعری را که از دیگران الهام گرفته، شاعر برگزیده می‌کنید؟ نمی‌کنید. بلکه فردوسی یا حافظ را نماد شعر می‌کنید زیرا در واژه و سوز و پرداخت هنری انقلاب کردند. با این حال اتفاقی است که افتاده و اگر این حرف‌ها را می‌نزم، برای این است که بدانید من با این انتخاب‌ها موافق نیستم، از اول هم موافق نبوده‌ام.

من با ۳۰ ناشر کار می‌کنم، کمتر ناشری به جبر و بیشتر به اختیار چشم‌شان به بخش دولتی است. عوارض این نگاه این است که شما می‌گویید چرا امروز ادبیات‌کودک و نوجوان این‌طور است؟ چرا ترجمه مسلط شده؟ سوالات منطقی و درستی است. زمانی که ادبیات دولتی را رایج کنید نویسنده و ناشر هم دولتی می‌شود. نویسندگان جوانی هستند که به خاطر عشقی که دارند، داستان می‌نویسند اما به محض این‌که جلو می‌آیند، با موقعیتی روبه‌رو می‌شوند که یا باید کارهای سفارشی بنویسند یا نویسند. ما تعداد انکشیست‌شماری نویسنده داریم که به صورت مستقل، برای ادبیات کودک و مخاطب نوشته و می‌نویسند. آقایان مدیر این شرایط را به وجود آورید و شما جامعه هم خواسته و ناخواسته به این مساله تن داده‌است، حداقل این بیماری را درمان کنید. مردم که به موقعیت ادبیات‌کودک آگاه نیستند، مدیریت و اندیشه شما این شرایط را به وجود آورده و بخش خصوصی را به انزوا کشانده‌است. این مواخذه من است. جامعه ما جامعه‌ای است که بحران‌ها را پشت سر می‌گذارد و ما آرام‌آرام مخاطب خود را پیدا می‌کنیم.

از محمدرضا یوسفی کتاب‌های اگر بچه رستم بودم، اسب سفید، شازده کرگزن، گرگ‌ها گریه نمی‌کنند، وقت قصه من را صدا کن، بابابرفی، شهر گربه‌ها، آخرین پروانه‌ها و کلی داستان دیگر منتشر شده‌است.



لیلاکفاش‌زاده

در موزه کودکی

کتاب‌های کودک

باید کتاب‌های

مصور و رنگی

باشند و همین

موضوع هزینه

کتاب‌ها را بالا

می‌برد و سهم

خرید کتاب را

برای خانواده‌ها

کم می‌کند و

تعداد کمتری

از خانواده‌ها

می‌توانند برای این

موضوع بودجه

کنار بگذارند

۳ فیلم زنانه در دست تولید

علی اکبر ثقفی، تهیه‌کننده و کارگردان سینما از تولید چند فیلم سینمایی خبر داده‌است. او در گفت‌وگو با مهر به «کوچه ژاپنی‌ها» به کارگردانی امیرحسین ثقفی اشاره کرد که به زودی تدوین آن به پایان می‌رسد. همچنین فیلم سینمایی «وحشی» به کارگردانی شراره سرروش در مرحله پیش تولید و آغاز فیلم سینمایی «شباخت خانوادگی» به کارگردانی فاطمه ثقفی تا یک ماه دیگر از دیگر برنامه‌های این تهیه‌کننده است.



قهرمان پیش خرید شد

چند روز دیگر یا به عبارت دقیق‌تر روز ۲۲ تیرماه فیلم قهرمان به کارگردانی فرهادی در جشنواره کن به نمایش در می‌آید و حالا خبر رسیده کمپانی سینی‌آرت حق اکران فیلم «قهرمان» جدیدترین ساخته سینمایی اصغر فرهادی را در دو کشور هلند و بلژیک خریده‌است. این کمپانی قبلا حق پخش فیلم‌های قبلی فرهادی را نیز برعهده داشت.

گفت‌وگو با لیلاکفاش‌زاده، عضو شورای کتاب کودک درباره ادبیات کودک و نوجوان

ادبیات کودک نیازمند مدیریت یکپارچه



کهن باید ببینیم کودک امروزی چه می‌خواهد و مثال اگر این دوسال را در نظر نگیریم کتابخانه‌های مدارس یکی از مهم‌ترین فضاهایی هستند که ما می‌توانیم کتابخوانی را برای کودکان ترویج کنیم، اما عمدتاً کتابخانه‌های مدارس به یک فضای بی‌روح و بی‌استفاده تبدیل می‌شود و کتابداری که بتواند کتاب‌های خوبی برای کودکان تهیه کند و بخواند در مدارس نیست.

کتاب‌های بسیار خوبی در خصوص آواورزی و الفباآموزی توسط نویسندگان خوب و با تصاویر ایرانی و مطابق با فرهنگ ایرانی تالیف می‌شود اما مافیای کتاب‌های کمک آموزشی اجازه بروز و ظهور به آنها را نمی‌دهند و این نویسندگان نیز توسط

ارگانی حمایت نمی‌شوند.

از طرفی، کتاب‌های کودک باید کتاب‌های مصور و رنگی‌ای باشند و همین موضوع هزینه کتاب‌ها را بالا می‌برد و سهم خرید کتاب را برای خانواده‌ها کم می‌کند و تعداد کمتری از خانواده‌ها می‌توانند برای این موضوع بودجه کنار بگذارند. برای همین به نظر می‌رسد مدیریت یکپارچه‌ای در این امر وجود ندارد و به نظر من مدیران کشور باید سهم زیادی از بودجه کشور را صرف کودکان بکنند. زیرا کودکان کشور آینده‌داران کشور محسوب می‌شوند و اگر ما برای ایجاد سواد اجتماعی و نه سواد الفبا و ریاضی تلاش نکنیم در آینده با یک جامعه بی‌سواد، بیمار و کم‌خرد روبه‌رو خواهیم بود. نباید این‌طور به نظر برسد که حوزه نشر، یک حوزه درجه چند است؛ بلکه حوزه نشر و کتاب، اندیشه یک جامعه است و باید در اولویت قرار بگیرد و حمایت و مدیریت شود.

کتاب‌های کهن داریم. چرا هیچ نمایشنامه‌ای در کتاب‌های درسی کودکان چاپ نمی‌شود؟ قدیم‌ها گروه‌های تئاتر مدارس حتی در مدارس دولتی به اجرای نمایش می‌پرداختند. اگر نمایشنامه‌ها در همه مقاطع به چاپ برسد و به عنوان فعالیت جمعی دانش‌آموزان اجرا بشود انگار ما ۱۰۰ سال به جلو رفته‌ایم و خیلی راحت می‌شود با ورود نمایشنامه به کتاب‌های درسی آن را برای کودکان ناهیدنه کنیم؛ البته این اتفاق نباید به صورت خشک و بدون تصاویر جذاب برای کودکان باشد. متأسفانه بسیاری از این هنرها تحت تأثیر دروس دیگر و کتاب‌های کمک آموزشی و مافیای کنکور حذف می‌شوند.

یعنی **مورد امیدوارکننده‌ای در این باره وجود ندارد؟**

همیشه موارد خوبی هست اما هیچ‌کدام خالی از مساله نیستند. مثلاً باغ کتاب به یک پاتوق خوب برای کودکان علاقه‌مند به کتابخوانی بدل شد. اما آیا واقعا باید به جای دختر ماه پیشانی مجسمه گروهبان گارسیا و لوک خوش شانس در این مکان قرار بگیرد؟ البته چند اثر ایرانی هم در این پاتوق ساخته شده‌است اما دست‌اندرکاران طراحی این محیط می‌توانستند با بودجه‌های کلانی که در اختیار داشتند، انتخاب‌های بهتری داشته باشند و از آثار تالیفی و داستان‌های کهن حمایت کنند. نه از شخصیت‌های غیرومی. اصلاً چرا از دل ادبیات کودک و نوجوان یا از نویسنده‌ها و شخصیت‌های بزرگ این عرصه مجسمه‌های شهری نمی‌ببینم؟ در حالی که تمام این‌شانه‌های کوچک می‌توانند خانواده‌ها و بچه‌ها را به مطالعه بیشتر سوق بدهند. **‏**

تجسمی [رنگ و بوم]

مراحل اولیه پروژه ساخت بزرگ‌ترین مجسمه جهان در ابوظبی آغاز شده‌است

آغاز ثبت یک رکورد دیگر

امارات متحده عربی بارها در شهرهای مختلف پروژه‌های خاصی بنا کرده که پسوند «ترین» را به همراه دارند؛ بلندترین، بزرگ‌ترین و دیگر مواردی از این دست. حالا ایسنا به نقل از نشنال خبر داده درحالی‌که مردم پاریس با اجرای یکی از ایده‌های کریستو، هنرمند و مجسمه‌ساز تحسین‌شده، برای یاد او در پاریس آماده می‌شوند، مراحل اولیه ساخت اثری از همین هنرمند در واحة «الیوا» واقع در ابوظبی در حال شکل گرفتن است. کریستو در می‌سال گذشته درگذشت و قرار است از هجدهم

سپتامبر به‌مدت ۱۶ روز براساس ایده‌ای که این هنرمند مطرح کرده بود، طناب و پارچه‌های آبی-نقره‌ای دور طاق پیروزی پیچیده شود. این پروژه تحقق ایده‌ای خواهد بود که در اوایل دهه ۶۰ میلادی در ذهن کریستو شکل گرفت؛ ایده‌ای که در آن ۲۵ هزار متر مربع پارچه و ۳۰۰۰ متر طناب قرمز-که همگی قابل بازیافت است مورد استفاده قرار می‌گیرد اما این هنرمند متولد بلغارستان رویای تمام دیگری هم داشت و آن ساخت بزرگ‌ترین مجسمه جهان در امارات متحده عربی بود؛ کشوری

جوان زد و آن را به تعطیلی کشاند.

این اتفاق نگران‌کننده در حوزه فرهنگی و اجتماعی در لایه‌لای خیره‌های شیوع ویروس کرونا و تعطیلی سینماهای کل کشور از دیده‌ها پنهان ماند؛ موضوعی که باعث خاموشی چراغ تنها سینمای برازجان شد و پیگیری مدیران سینما از مسؤولان شهرستان و دستگاه‌های استان برای تامین و تخصیص اعتبار لازم برای تجهیزات فنی و راه‌اندازی آن همچنان بدون نتیجه باقی مانده‌است. مصوبه اعتبار ۲۰۰میلیون تومانی که برآورد اولیه برای راه‌اندازی سینما در سال ۹۸ بود تاکنون نشد تا در سایه تورم و مشکلات بودجه‌ای، چراغ این سینما برای همیشه خاموش شود و حالا بعد از ۶۰ سال مردم شهرستان برازجان با سالان سینما خداحافظی کرده‌اند و معلوم نیست کی دوباره چراغ یک سینمای پویا در شهر روشن شود.

در سینمای تازه تاسیسی که در خیابان جمهوری اسلامی فعلی توسط شخصی به نام بهزادی اداره می‌شد، برمی‌گردد که با پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت این سینما ادامه داشت و نهایت در اواسط دهه ۷۰ مشکلات متفاوت برای همیشه چراغ این سالن سینما را خاموش کرد.

به گفته حمید علیزاده، رئیس انجمن سینما جوان برازجان، استفاده هر روزه تجهیزات الکترونیک و فنی سینما با وجود گذشت پنج سال از عمر مفید آنها موجب فرسودگی و مستهلک شدن شد اما به دلیل شرایط حاد کنونی و با بررسی کارشناسان و اعمال برخی تنظیمات سینما جوان، نتوانست به فعالیت خود ادامه دهد اما در اواسط اسفندماه ۹۸، کمبودها و دیگر مشکلات شرایط نگهداری در کنار استهلاک تجهیزاتی که سالانه باید به‌روزرسانی شوند، زخمی کاری بر پیکره سینمای

خیلی زودتر از آنچه فکر می‌شد رو به چ‌ساله این سینما و با پیگیری‌های بیت‌وقت سینما، نیازهای اساسی تجهیزات صوتی و تصویری و تامین هروندان تا حدودی انجام شد اما این بیت‌سینماکفایت نکرد.

بیت ۱۰۵صندلی که تا آخرین روزهای می‌داد، با اکران همزمان فیلم‌های ر، چهار سانس و بعضاً به درخواست انس در روز موجب استقبال مردم و جوانان و نوجوانان زیادی شده‌بود. دهه ۳۰ و نمایش فیلم‌های آن‌روز

دیگر از بخش غیررقابتی مشهور به «نوعی نگاه» را هم لحاظ می‌کند و در ۲۰۱۶ بر این بخش چهار فیلم در این موضوع مورد داوری قرار گرفته‌بودند. ع داوران این نخل در همه بخش‌ها از میان تعدادی کاندیدای مرتبط با ات جنسی، یک برگزیده را به کن معرفی می‌کنند.

طای فرصت استثنائی به این نوع مسائل در جشنواره‌کن در حالی اتفاق شد که جای فیلم‌هایی در مخالفت با این موضوعات خالی است و حتی متن جشنواره جایی برای شنیده شدن صدای اعتراض به این قبیل ات وجود ندارد. این میزان توجه به ترویج این مسائل تاحدی است که ری بر این باورند کن در این باره حتی حرف‌های سینما را هم زیرپا تته و مانند نخل «آبی‌گرم‌ترین رنگ‌هاست» در سال ۲۰۱۳ نه به کیفیت بلکه به ترویج موضوع آن توجه دارد. تعداد بالای فیلم‌ها طی سال‌های بازکن یک موقعیت استثنایی برای دیده‌شدن‌شان را باید در راستای ست فرانسه برای مانور معرفی خود به عنوان پایگاه چندفرهنگی جهان ت که البته سالانه میلیارد دلار نیز برایش درآمد اقتصادی دارد و جای شان فرهنگ فرانسه‌و را در کشورهای دورافتاده جهان باز می‌کند و از راه دور سینما و فرهنگ آنان را هم با جریان‌سازی روی یک سلیقه در فیلمسازی و کارگردانی به‌دست می‌گیرد.

خروج از این کشور را ندارد. این نمونه‌ها برای ما نیز آشناست و به هرحال بار دیگر ثابت می‌کند، کن تلاش دارد پایگاه خود را به عنوان جایی برای هم‌سویی با سیاست‌های فرانسه و زاویه گرفتن با کشورهای مبدأ فیلم‌ها حفظ کند. **‏**



عکس: کارگردان و دو بازیگر اصلی فیلم اسرائیلی «آزادی عهد»

عکس: جنودی فاستر، بازیگر و کارگردان آمریکایی در افتتاحیه هفتاد و چهارمین فستیوال کن

عکس: نمایش فیلم‌ها در فضای باز در کن